

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 1, Spring 2021, 387-409
Doi: 10.30465/crtls.2020.27930.1645

A Critical Review of the Chapter Five of
The Languages and Linguistics of Western Asia:
An Areal Perspective Entitled:
“The Caspian Region and South Azerbaijan: Caspian and Tatic”

Saeedreza Yousefi*

Mahinnaz Mirdehghan**

Abstract

The purpose of this research is to introduce and present a critical review of the chapter entitled “*The Caspian region and south Azerbaijan: Caspian and Tatic*”, by Donald L. Stilo. Formally, his research is encased into a book as a full chapter, including 10 sections. In theory and methodology, this research is based on areal linguistics and areal typology, respectively. The research investigates the geographical, lexical, grammatical, and phonological characteristics of Caspian and Tati, two North Western Iranian (NWI) language families, which are spoken in the south and west of the Caspian sea region. In addition to these two groups, Stilo introduces a new group called ‘Tatoids’, which includes Rudbari and Taleqani. According to Stilo, this special status for this recent type is that these two varieties were originally Tatic which, under the intense influences of Caspian and Persian, have lost all their Tatic grammatical structures. New findings of this research are the introduction of Tatoid language group and the determination of the linguistic isoglosses

* PhD Candidate in Linguistics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, sr_yousefi@sbu.ac.ir

** Associate Professor of Linguistics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author), mahinnaz.mirdehghan@gmail.com

Date received: 2020-11-12, Date of acceptance: 2021-03-06



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

of Tatic and Caspian language groups which are located almost on the geographical borders among Iran and its northern neighbors.

Keywords: Areal Linguistics, Morphosyntactic Alignment, Tatoids, Caspian Languages, Tatic Languages.

نقد و بررسی فصل پنجم از کتاب جامع زبان‌ها و زبان‌شناسی آسیای غربی: رویکردی منطقه‌ای با عنوان «منطقه کاسپین و جنوب آذربایجان: کاسپین و تاتی»

سعیدرضا یوسفی*

مهین‌ناز میردهقان**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر نقد و بررسی پژوهشی با عنوان «منطقه کاسپین و جنوب آذربایجان: کاسپین و تاتی» نوشته دونالد ال. استیلو (۲۰۱۹) است. این پژوهش که در قالب فصل پنجم از کتاب *زبان‌ها و زبان‌شناسی آسیای غربی: رویکردی منطقه‌ای* سازمان‌دهی شده است، خود شامل ده بخش و زیربخش‌هایی متعدد است. از لحاظ نظری و روش‌شناسی، این پژوهش بر مبنای زبان‌شناسی منطقه‌ای (areal linguistics) و رده‌شناسی منطقه‌ای (areal typology) است و به بررسی ویژگی‌های جغرافیایی، واژگانی، دستوری، و آوایی دو خانواده زبانی ایرانی شمال غربی، یعنی کاسپین و تاتی، می‌پردازد که در مناطق جغرافیایی جنوب و غرب دریای خزر تکلم می‌شوند. در تقسیم‌بندی ارائه‌شده در زبان‌های کاسپین و تاتی، استیلو دسته‌بندی جدیدی را با عنوان «تاتی‌ماندها» (Tatoid) نیز معرفی می‌کند که شامل گونه‌های «رودباری» و «طالقانی» است. از نظر استیلو علت این طبقه‌بندی خاص آن است که این دو گونه در اصل زبان‌های تاتی بودند که به دلیل تأثیرات شدید کاسپین و فارسی تمامی ویژگی‌های ساختاری تاتی را از دست داده‌اند. از اهم نتایج

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، sr_yousefi@sbu.ac.ir و ragestyling@gmail.com

** دانشیار زبان‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mahinnaz.mirdehghan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

این پژوهش می‌توان دست‌بندی جدید فوق‌را، که استیلو نخستین‌بار در این اثر معرفی کرده، برشمرد. علاوه‌برآن، تعیین مرزهای هم‌گویی گروه‌های تاتی و کاسپین که تقریباً با مرزهای جغرافیایی ایران و همسایگان شمالی‌اش انطباق نسبی یافته است، کاری نو در زبان‌شناسی منطقه‌ای به‌شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: رده‌شناسی منطقه‌ای، چیدمان واژی - نحوی، تاتی‌ماندها، زبان‌های کاسپین، زبان‌های تاتی.

۱. مقدمه

مقاله حاضر به نقد و بررسی فصل پنجم از کتاب جامع زبان‌ها و زبان‌شناسی آسیای غربی: رویکردی منطقه‌ای (The Languages and Linguistics of Western Asia: An Areal Perspective) می‌پردازد که به‌اهتمام جفری هیگ و جفری خان (Geoffrey Haig and Geoffrey Khan (eds.)) توسط نشر دانشگاهی دگرویتزر (De Gruyter) آلمان در سال ۲۰۱۸ به‌چاپ رسیده است. بخش موردبررسی از کتاب فوق نوشته دونالد ال. استیلو (Donald L. Stilo 2019) با عنوان «منطقه کاسپین و جنوب آذربایجان: کاسپین و تاتی» (The Caspian Region and South Azerbaijan: Caspian and Tatic) و از صفحه ۶۵۰ تا ۸۲۴ از کتاب است. در رسیدن به اهداف پژوهش، نقد و بررسی این اثر استیلو به‌طور کلی به‌صورت معرفی و توصیف اثر از نظر ساختاری، تحلیل و ارزیابی محتوایی آن، و ارزیابی نهایی ارائه می‌شود.

درا ابتدا دونالد ال. استیلو معرفی می‌شود. وی پروفیسور زبان‌شناسی در مؤسسه ماکس پلانک است و بیش از پنج دهه از عمر خود را به ثبت، مطالعه، و آموزش تعداد زیادی از زبان‌های ایرانی اختصاص داده است. او مطالعات متعددی را بر روی زبان‌های داخل و اطراف ایران منتشر کرده که شامل این زبان‌هاست: فارسی، وفسی، ارمنی، آذربایجانی، گیلکی، آرامی، و بسیاری دیگر. هم‌چنین وی کتاب آموزشی دوجلدی را با عنوان فارسی مدرن: نوشتاری و محاوره‌ای (انتشارات دانشگاه ییل، ۲۰۰۵) با همکاری کامران تطف و جرّمی کلیتون (Jerome Clinton) به‌چاپ رسانده است. وی در مؤسسه‌ای هم‌چون دانشگاه جورج تاون، دانشگاه کالیفرنیا در لس‌آنجلس، دانشگاه نیویورک، دانشگاه واشنگتن، آکادمی علوم گوتینگن در آلمان، و اخیراً در مؤسسه مردم‌شناسی تکاملی ماکس پلانک به تحقیق و آموزش پرداخته است. او دارای مدرک دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه میشیگان (۱۹۷۱) با تمرکز بر

زبان‌های ایرانی است و حدود بیست سال از عمرش را صرف تدریس زبان فارسی در دانشگاه‌های مطرح سپری کرده است. استیلو از زمان بازنشستگی‌اش در سال ۲۰۱۱ در هلند زندگی می‌کند و در همان‌جا به نگارش و چاپ درمورد زبان‌شناسی ایرانی و ترکی ادامه می‌دهد. در سال ۲۰۱۴، جایزه انجمن آمریکایی مدرسان فارسی (American Association of Teachers of Persian (AATP)) به دلیل چند دهه خدمت به زبان‌های ایرانی و فارسی به وی اعطا شد.

در معرفی اثر موردبررسی از استیلو در این مقاله، می‌توان اذعان داشت که از لحاظ ویژگی‌های ساختاری، از آن‌جایی که پژوهش صورت‌گرفته در قالب یک فصل از کتاب است، ساختار شکلی متفاوتی با یک مقاله علمی - پژوهشی دارد. مثلاً فاقد بخش چکیده است و طولانی‌تر از یک مقاله است (۱۶۵ صفحه). این فصل در قالب ده بخش طراحی شده که هر بخش زیربخش‌هایی متعدد دارد. از نظر ساختاری، استیلو در این پژوهش، ابتدا به معرفی و رده‌شناسی منطقه‌ای گونه‌های کاسپین و تاتی پرداخته است. در بخش‌های بعد وی به روابط درونی کاسپین و تاتی شامل ویژگی‌های مشترک واژگانی گونه‌ها پرداخته و دسته جدیدی با نام «تاتی‌ماندها» را معرفی کرده است. سپس ویژگی‌های آواشناسی و واج‌شناسی گونه‌های کاسپین و تاتی به‌هم‌راه مثال‌هایی متعدد در کار وی موردبررسی قرار گرفته است. در بخش چهارم، به معرفی مرزهای هم‌گویی در خانواده کاسپین و تاتی پرداخته شده و در بخش پنجم، بررسی ویژگی‌های صرفی چون حالت، جنس، شمار، الگوهای تصریف ضمائر، حروف اضافه، شمارش‌گرها، و ضمائر انعکاسی در زبان‌های موردپژوهش آورده شده است. مواردی چون نظام‌های فعلی حال و گذشته، پیش‌وندهای فعلی واژگانی، منفی‌سازی، ظرفیت افعال، و تشکیل و هم‌زمانی و کاربرد زمان‌های مختلف در بخش ششم ارائه شده، و در بخش هفتم، به رده‌شناسی پدیده‌های نحوی چون نظام چیدمانی واژی - نحوی، مفعول‌نمایی افتراقی، کنایی، پیشین‌شدگی شناسه‌ها، محدودیت‌های حرکتی بر واژه‌بست‌ها، و ویژگی افعال گذرا در زبان‌های موردبررسی پرداخته شده است. بخش هشتم به رده‌شناسی پدیده‌های نحوی وابسته‌سازی و انواع آن در زبان‌های موردبررسی اختصاص یافته و بخش نهم، ترتیب واژگانی زبان‌های موردبررسی را موردمقایسه قرار می‌دهد. سرانجام در بخش دهم اثر، چهار متن کوتاه آوانگاری شده برای نمونه‌گفتار طبیعی در زبان‌های لاهیجانی، ساروی، لریکی، و وفسی به‌هم‌راه توضیح بین خطوط آورده شده است که می‌تواند پیکره قابل طرح برای پژوهش‌های آینده باشد.

به‌طور کلی این اثر شامل دو بخش اصلی: «منطقه کاسپین و جنوب آذربایجان» (از نظر منطقه جغرافیایی) و «کاسپین و تاتی» (از نظر زبان‌های مورد بررسی) است و باهم‌آیی این دو بخش تعیین‌کننده رویکرد نظری و روش‌شناسی پژوهش یعنی «رده‌شناسی منطقه‌ای» و «زبان‌شناسی منطقه‌ای» است.

در نقد و بررسی عنوان این اثر، باتوجه‌به این نکته که از لحاظ جغرافیایی، منطقه کاسپین با مرکزیت دریای خزر و کشورهای ساحلی آن شامل آذربایجان، ایران، قزاقستان، روسیه، و ترکمنستان است و از آن‌جایی که زبان‌های مورد بررسی (خانواده کاسپین و خانواده تاتی) زبان‌های ایرانی‌اند، دقیق‌تر آن بود که در عنوان و در بخش منطقه جغرافیایی به‌جای «آذربایجان» از «ایران» استفاده می‌شد؛ یعنی عنوان به‌صورت «منطقه کاسپین و شمال ایران: کاسپین و تاتی» تغییر می‌یافت؛ چراکه اولاً، همان‌گونه که اشاره شد، زبان‌های مورد بررسی زبان‌های ایرانی هستند و اشاره به منطقه آذربایجان در عنوان باعث ایجاد ابهام شده است و خواننده انتظار دارد که در مورد زبان ترکی پژوهش انجام پذیرد، در صورتی که متن مقاله هیچ اشاره و ارتباطی به زبان ترکی ندارد؛ ثانیاً، از لحاظ تاریخی این مناطق جزو خاک سرزمین ایران بوده که بعدها به دلایل سیاسی از سرزمین اصلی جدا شده است. در نتیجه وجود زبان‌های ایرانی در مناطقی خارج از منطقه جغرافیایی - سیاسی کنونی ایران و در مناطق شمالی این کشور منطقی است.

از لحاظ نظری و روش‌شناسی، این پژوهش بر مبنای زبان‌شناسی منطقه‌ای (areal linguistics) و رده‌شناسی منطقه‌ای (areal typology) بوده و به بررسی ویژگی‌های جغرافیایی، واژگانی، دستوری، و آوایی دو خانواده زبانی ایرانی شمال غربی، یعنی کاسپین و تاتی، می‌پردازد که در مناطق جغرافیایی جنوب و غرب دریای خزر تکلم می‌شوند. این اثر استیلو به‌ویژه با تأکید بر نتایج مقاله‌ای دیگر از وی با عنوان «گروه زبانی تاتی در بافت زبان‌شناسی اجتماعی شمال غرب ایران و قفقاز جنوبی» است که در مجله *ایران‌شناسی* در سال ۱۹۸۱ به‌چاپ رسیده است (Stilo 1981). بیش‌تر داده‌های زبانی در این پژوهش، که عمده حجم فصل را نیز در بر می‌گیرد، مربوط به جمع‌آوری میدانی داده‌ها در دهه ۱۹۷۰م در مناطق جغرافیایی مربوطه است. البته همان‌طور که استیلو در مقدمه کتاب حکایت‌های *عامیانه و فسی*^۱ مطرح می‌کند (Stilo 2004: vii-viii)، متأسفانه پس از انقلاب ایران، وی موفق به اخذ روایت برای ادامه مطالعات میدانی در ایران نشده است. در نتیجه اکثر داده‌های گردآوری‌شده توسط وی، که مربوط به زبان‌های ایرانی در منطقه جغرافیایی ایران است، به

دوران پیش از انقلاب بازمی‌گردد. این محدودیت باعث شد که استیلو نتواند دستور جامعی از وفسی را، در قالب کتابی بالغ بر هزار صفحه، تکمیل کند و پیوسته در آثار مختلف از وی شامل فصل حاضر، کتاب «دستور وفسی» (A Grammar of Vafsi) به‌منزله اثری که در آینده به‌چاپ خواهد رسید در بخش کتاب‌نامه ظاهر می‌شود.

در تحلیل محتوایی این اثر، جامعیت و تناسب محتوایی بالا و انسجام بسیار خوب درونی میان بخش‌های مختلف آن مشاهده می‌شود. در تبیین‌ها و طبقه‌بندی‌های آورده‌شده که با توجه به مبانی و پیش‌فرض‌های پژوهشی بسیار مستحکم و خوب ارائه شده، گروه زبانی کاسپین شامل زنجیره گویشی بر روی پیوستاری در حدود پانصد کیلومتر از گویش‌های مازندرانی منطقه گرگان در شرق تا گویش‌های گیلکی انزلی در غرب است. این گروه زبانی به دو شاخه عمده گیلکی شرقی و گیلکی غربی تقسیم می‌شود که توسط رودخانه سفیدرود از یک‌دیگر جدا می‌شوند. گیلکی غربی شامل گویش‌های مناطق رشت، فومن، و انزلی و گیلکی شرقی برای نمونه شامل لاهیجانی، لنگرودی، و ماچیانی است. استیلو دسته دیگری را نیز در نظر می‌گیرد که آن را «گویش‌های کاسپین مرکزی» نامیده که شامل مناطق حدودی چالوس تا رامسر است.

خانواده تاتی شامل موارد زیر است: الف) گویش‌های تاتی که تنوع زیادی دارد و در محدوده ناپیوسته‌ای از وفسی در جنوب، نزدیک ساوه تا کیلیت (Kilit) در استان نخجوان جمهوری آذربایجان در شمال رود ارس امتداد می‌یابد؛ ب) تالشی که شامل شمالی‌ترین گویش منطقه ماسالی در آذربایجان تا دره رودبار در ایران است؛ پ) تاتی‌ماندها (Tatoid) که شامل دو گویش رودباری و طالقانی/الموتی است. این گروه‌بندی‌ها و گونه‌های زبانی را وی به‌صورت زیر دسته‌بندی کرده است (اعداد داخل پرانتز به منطقه جغرافیای گونه‌های کاسپین و تاتی روی نقشه ۱ اشاره دارند. این نقشه برگرفته از صفحات ۶۶۱ و ۶۶۲ پژوهش استیلو است):

کاسپین

- مازندرانی (۱):

- ولاترو (ولایت‌رود)، آلاشت، کندلوس، اوره، کردخیل، ساری، و خطیرآباد؛

- کاسپین مرکزی (۲):

- رامسر، تنکابن، و کلاردشت؛

- گیلکی شرقی (۳):
- لاهیجان، لنگرود، و ماچیان؛
- گیلکی غربی (۴):
- رشت، فومن، و انزلی.

تاتی

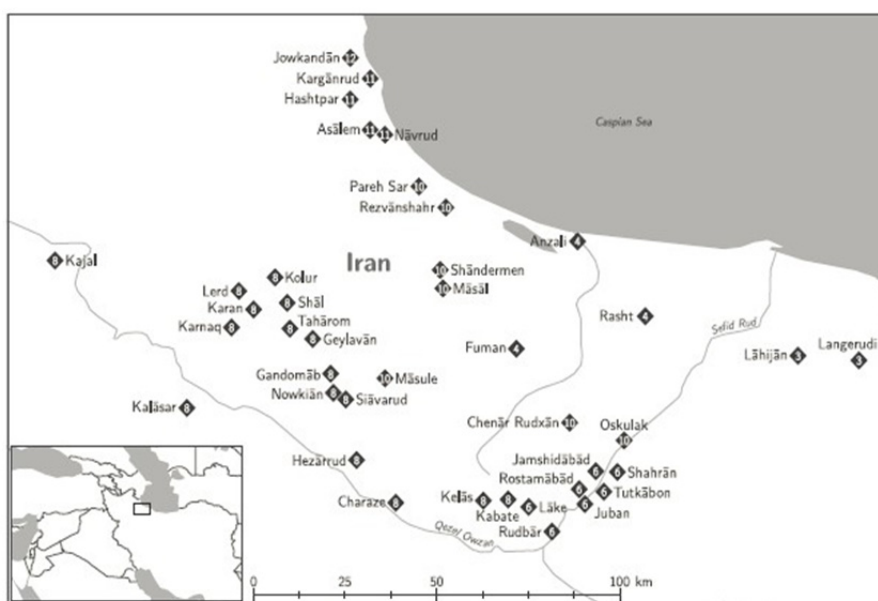
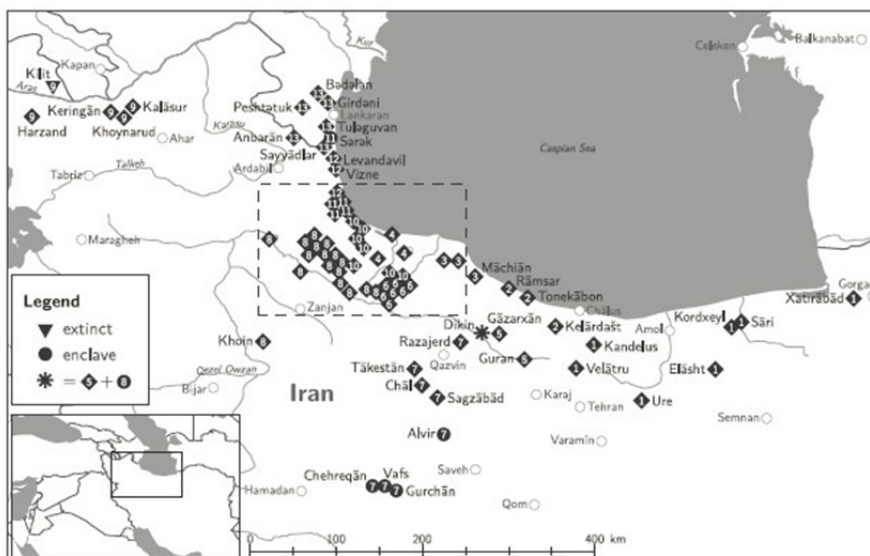
- تاتی جنوبی (۷):
- رزاجرد، تاکستان، چال، سگزآباد، الویر، چهرقان، وفس، و گورچان؛
- تاتی مرکزی (۸):
- کِجَل، لِرْد، کاران، کرنق، کلاسِر، کلور، شال، طَهَارْم، گیلوان، گندماب، نوکیان، سیاورود، هزاررود، چَرزَه، کلاس، و کباته؛
- تاتی شمالی (۹):
- کیلیت، هرزند، کرینگان، کلاسور، و خوینارود.

تالشی

- تالشی جنوبی (۱۰):
- چنارودخان، اسکولاک، پره‌سر، رضوانشهر، شاندرمن، ماسال، و ماسوله؛
- تالشی مرکزی (۱۱):
- کرگان‌رود، هشت‌پر، اسالم، ناورود، و سیرک؛
- تالشی مرکزی - شمالی (۱۲):
- لوندویل و ویزنه؛
- تالشی شمالی (۱۳):
- بدلان، گیردنی، پشتتوک، تولگووان، انباران، و صیادلر؛

تاتی‌ماندها

- گویش طالقانی - الموت (۵):
- گازرخان، و گوران؛
- گویش رودبار (۶):
- جمشیدآباد، رستم‌آباد، شهران، توتکابون، جوان، رودبار، و لاکه؛



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی گونه‌های کاسپین و تاتی

استیلو در پژوهش خود به بررسی یک گونه از هر گروه به‌نماینده‌گی از آن گروه پرداخته است که این گونه‌ها عبارت‌اند از: ۱. ساروی از گروه مازندرانی، ۲. لاهیجانی از گروه گیلکی، ۳. لریکی از گروه تالشی شمالی، ۴. وفسی از گروه تاتی.

از لحاظ موقعیت جغرافیایی، به دلیل قرار گرفتن در منطقه‌ای خوش آب‌وهوا و سرسبز، گروه‌های کاسپین و تالشی در مناطق پرجمعیت تکلم می‌شوند. زبان‌های کاسپین در سواحل جنوبی دریای خزر تا به سمت گرگان در شرق امتداد می‌یابند. تالشی در امتداد جنوب غربی و مناطق سفلاهی سواحل غربی خزر به‌ویژه در شهرهای ماسوله، ماسال، و هشت‌پر/ اسالم در ایران و از طریق شهرهای آستارا، لنکران، و ماساللی تا جمهوری آذربایجان در شمال امتداد می‌یابد. گونه‌های کاسپین (مانند کلاردشتی، آلاشتی، و ولاترودی) و گونه‌های تالشی (به‌ویژه ماسوله‌ای، انباری، و لریکی) در کوه‌پایه‌های مشرف بر دریای خزر تکلم می‌شوند. گونه‌های مازندرانی (همانند اوره) به سمت جنوب تا میانه‌های دماوند و آبلعی گسترش یافته است.

هرچند یک شکاف کامل زبانی به‌همراه عدم فهم متقابل میان کاسپین و تالشی، به‌ویژه در همسایگی گیلکی غربی و تالشی جنوبی، وجود دارد، این دو دسته متعلق به دو زیرگروه زبان‌های ایرانی شمال غربی‌اند که از جهت‌های مختلفی وارد این منطقه شده‌اند و دارای صورت‌های در حال گذارند که نشان‌دهنده ارتباط بین آن‌هاست.

در تمایز جغرافیایی با تالشی، زبان‌های تاتی بر روی فلات ایران از منطقه ارس در شمال و به سمت جنوب تا ساوه و اراک امتداد می‌یابند. این شهرها روستاهایی با جمعیت کم دارند. هرچند مناطقی چون تاکستان، کلور، و وفس مستثنایند و در مورد کلور و وفس حداقل نیمی از جمعیتشان ساکن تهران بودند، ولی ارتباط خود را با روستاهایشان قطع نکرده‌اند.

نکته حائز اهمیت آن‌که در حدود چهل تا پنجاه سال اخیر شهرهایی که در منطقه زبانی تالشی و مخصوصاً در ایران قرار دارند، به دلیل مهاجرت، عمدتاً دارای گویشوران ترکی آذربایجانی شده‌اند. در نتیجه امروزه بیش‌تر گویشوران تالشی در روستاهای دور از شهرهای اصلی یافت می‌شوند.

در این جا و در ادامه تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر، با توجه به بخش‌بندی کار استیلو در کتاب، به ارائه و بررسی تحلیل‌ها و تبیین‌های وی در ده بخش کار پرداخته شده است.

۲. روابط درونی کاسپین و تاتی

۱.۲ کاسپین

غالباً زبان گالشی یک گویش کاسپین متمایز در نظر گرفته می‌شود. گفتنی است با آن‌که گویشوران این زبان و برخی دیگر این گروه را گروه قومی مجزایی در نظر می‌گیرند،

اطلاعات زبان‌شناختی به یک گویش مجزا اشاره ندارد. قوم گالش در نواحی کوهستانی در امتداد البرز از سفیدرود تا شرق مازندران سکونت دارند و گاوچران‌اند و ریشه‌واژه گالش به همین مضمون اشاره دارد؛ -gawa-raxšaka* < Galeš (نگه‌دارنده گاوها) (Asatrian and Borjia 2005: 50)، درحالی‌که گویشوران گونه‌های گالشی در سراسر گیلان فهم متقابل دارند، این گونه‌ها تفاوت‌های فاحشی نیز با یک‌دیگر دارند؛ مثلاً گالشی گیلان به‌طور کامل با گالشی مازندران تفاوت دارد.

۲.۲ خانواده تاتی

خانواده تاتی شامل دو گروه تاتی و تالشی است که از لحاظ زبان‌شناختی بسیار نزدیک به یک‌دیگرند و می‌توان آن‌ها را به خوشه‌های شمالی، مرکزی، و جنوبی دسته‌بندی کرد. جمعیت تالشی نسبتاً فشرده‌اند و یک زنجیره گویشی را تشکیل می‌دهد که به سمت جنوب از مناطق ماسللی آذربایجان، لنکران، لریک، آستارا، انباران، قلعه، صیادلر، لوندویل، ویزنه، جوکندان، کرگانرود، اسالم، ناورود، پره‌سر، تالش‌دولاب، خوشابیر، شاندرمن، ماسال، و ماسوله گسترش یافته است و نقطه اوج آن به سمت شرق در اسکولاک در دره رودبار و به سمت جنوب در چناررودخان قرار می‌گیرد (Bazin 1981: 113).

تات قفقازی که زبان ایرانی جنوب غربی است و مربوط به اقوامی است که در اواخر دوران ساسانیان از جنوب ایران کوچ داده شده‌اند، به‌هیچ عنوان مربوط به خانواده تاتی یا اصطلاح تات نبوده و خویشاوند نزدیک آن فارسی است و شباهت آوایی نام‌ها اتفاقی است.

درمقابل، زبان‌های تاتی ازهم‌گسیخته بوده و به‌صورت زیر پراکنده شده‌اند:

- تاتی جنوبی: که نه گویش چالی، تاکستانی، سگزآبادی، اشتهاردی، دانسفانی، اسفروینی، ابراهیم‌آبادی، خیارچی، و خزینی در منطقه تاکستان قزوین را شامل می‌شود (Yarshater 1969). رزاجردی از این جهت که یک گویش میانی از تاتی جنوبی به طالقانی است، جایگاه ویژه‌ای نیز دارد که این گونه را استیلو در دسته‌بندی جدیدی به نام «تاتی‌ماندها» طبقه‌بندی می‌کند.

- پس از گسست از تاتی جنوبی، تاتی مرکزی در نواحی شمال غربی آغاز شده و شامل گروه‌های زیر است: ۱) گروه تارمی، شامل هزاررودی، کلاسری، باکلوری، چرازه‌ای، و غیره که جزو گروه تارم بالا در استان زنجان و کلاسی و کفجه‌ای در

استان گیلان هستند (Yarshater 1970)؛ ۲) کلوری، شالی، و غیره در بخش شهرد خلیخال استان اردبیل (Yarshater 1959)؛ ۳) گندمابی، سیاوردی، نوکیانی، و غیره؛ ۴) کحالی، گیلوانی، طهارمی، و غیره؛ ۵) کرانی، لردی، دیزی، و کارنگی؛ ۶) مقداری به سمت غرب، کجالی در منطقه کاغذکنان شهرستان میانه برخی ویژگی‌های واژگانی در حال گذار به تاتی شمالی را از خود نشان می‌دهد. پنج گروه اول یک زنجیره گویشی طیف‌گونه را نشان می‌دهند.

- به سمت شمال تاتی مرکزی، پس از یک گسست اساسی، خوشه‌های متمایز گویش‌های تاتی شمالی را در امتداد رودخانه ارس مشاهده می‌کنیم که شامل گویش‌های ذیل‌اند: کلاسوری - خوینارودی، کرینگانی، هرزنی، و کیلیت (که منقرض شده است).

۳.۲ گروه‌های «تاتی‌مانند»

گروه اول تاتی‌ماندها گروه رودباری است که شامل تعداد زیادی گویش با فهم متقابل است، در دره رودبار و در دو طرف سفیدرود قرار گرفته که از شهر رودبار حدود ۳۵ کیلومتر به سمت جنوب و تا شمال منطقه اسکولاک گسترش یافته است. گویش‌های این منطقه شامل رودباری، لکه‌ای، خوشه جویان (جوبانی، سرامرزی، بابونی، و غیره)، رستم‌آبادی (قبلاً کلورزی)، جمشدآبادی، اسکولاکی، شهرانی، توتکابنی، و دوگهران است. گروه دیگر تاتی‌ماندها گروه طالقانی - الموتی است که شامل پیوستاری از گویش‌هایی است که در منطقه وسیعی گسترش یافته است. گستره شمالی - جنوبی آن از بلندترین روستاهای البرز شروع شده و تا مناطق جنوب کمربندی کرج - آبیگ امتداد می‌یابد. گستره شرقی - غربی آن در محدوده دو راه اصلی است که از چالوس و رودبار عبور می‌کند و به دریای خزر می‌رسد. گویش‌های غربی در امتداد رودخانه شاهرود ثبت نشده‌اند و تنها گروه‌های شناخته‌شده طالقانی و الموتی‌اند که در امتداد روخانه‌های طالقان و الموت واقع در شمال شرقی قزوین تکلم می‌شوند. از به هم پیوستن این دو رودخانه رودخانه بزرگ‌تر شاهرود ساخته می‌شود که خود بخشی از رودخانه سفیدرود است.

از نظر استیلو، «رودباری» و «طالقانی» دسته‌بندی جدیدی را با عنوان «تاتی‌ماندها» تشکیل می‌دهند. علت این جایگاه خاص از نظر وی آن است که این دو گونه دراصل زبان‌های تاتی بودند که به دلیل تأثیرات شدید کاسپین و فارسی تمامی ویژگی‌های ساختاری

تاتی را از دست داده‌اند. تنها نشانه‌هایی که دال بر منشأ تاتی این زبان‌هاست تعدادی از مقولات واژگانی‌اند که در جدولی با عنوان «شباهت‌های واژگانی بین گروه تاتی‌ماندها و خانواده‌های کاسپین» در متن اصلی دسته‌بندی شده‌اند.

استیلو در جدول 2E (صفحه ۶۷۲) با عنوان «واژگان مشترک تاتی» (pan-Tatic lexicon) دوازده واژه هم‌ریشه (cognate) در زبان‌های تاتی (پانزده زبان) فهرست‌بندی کرده است.

از نظر نکات ویرایشی در مورد داده‌های وفسی، در کل اثر فقط یک اشتباه جابه‌جایی در کتاب دیده می‌شود که در آن، واژه kelle (فرزند دختر) و kelje (دختر) جابه‌جا نگاشته شده‌اند.

۳. واج‌شناسی

استیلو در این بخش ابتدا به معرفی هم‌خوان‌ها، واکه‌ها، و روان‌ها در زبان‌های مورد بررسی به‌همراه نمونه‌های زبانی متعدد پرداخته است. سپس در مورد جایگاه تکیه و واژگانی در این زبان‌ها معتقد است که در این زبان‌ها در بیش‌تر طبقات واژگانی زمانی که صرف نشوند، تکیه و واژگانی بر روی هجای آخر قرار می‌گیرد.

استیلو در بخش ساختار هجا ساخت عمومی (C)V(C)(C) را برای تمامی گونه‌های زبان‌های کاسپین و تاتی در نظر می‌گیرد. احتمالاً دلیل این نتیجه‌گیری استیلو آن است که تعدادی از کارهای گویشی در زبان‌های ایرانی در آوانگاری‌های خود همزه آغازین هجا را در نظر نمی‌گیرند و مثلاً «اسب» را به صورت æsb آوانگاری می‌کنند. این درحالی است که ساخت مجاز هجا در زبان فارسی و در تمامی زبان‌های ایرانی به صورت (C)(C)CV(C)(C) است؛ یعنی اولین هجای واژه نمی‌تواند با قله هجا (واکه) آغاز شود. مثال‌های استیلو از ساروی: u (آب)، ema (ما)؛ لاهیجانی: u (او) و وفسی: awan (ما) که به صورت فوق آوانگاری شده‌اند، در واقع برای نشان دادن وجود انسداد چاکنایی آغازین باید به صورت ذیل آوانگاری شوند: ?ema, ?u, ?awan. از طرف دیگر، نمایش انسداد چاکنایی در سطح آواشناختی مطرح است و در واج‌نگاری واژه‌ها نمود نمی‌یابد، بنابراین واج‌نگاری استیلو در سطح واج‌شناسی صحیح است.

از نظر استیلو، هر چند تشدید (germination) در تمامی زبان‌ها امکان‌پذیر است، اما از ویژگی گفتار تخصصی است؛ یعنی زمانی که از وام‌واژه‌های عربی استفاده می‌شود. با این حال

نمونه‌های زیادی وجودی دارد که واژه‌های مشدد اصلی در این زبان‌ها تشدیدزدایی شده‌اند. تشدید در برخی گونه‌های تاتی بسامد بیش‌تری دارد و در وفسی بسیار رایج است. همانند این مثال‌ها: koppel (کوچک)، holle (سوراخ)، messæ (مگس)، zarru (بچه)، verr (دیوانه)، و غیره.

استیلو اذعان می‌کند که زبان‌های غرب ایران پنج الگوی آهنگی (intonational contours) دارند و شناسایی آن‌ها مستلزم شناخت پنج سطح زیروبمی (pitch) در این زبان‌هاست. چهار سطح از این پنج سطح زیروبمی فقط در سطح بند (clause) تمایز معنایی ایجاد می‌کنند و فقط بعد از بالاترین سطح زیروبمی ظهور می‌یابند که این بالاترین سطح زیروبمی بر واژه‌ای قرار می‌گیرد که براساس ساختار اطلاعات بند در کانون قرار گرفته شده باشد.

۴. مرزهای هم‌گویی دستوری

مرز هم‌گویی (isogloss) مرزی جغرافیایی است که شامل مشخصه زبان‌شناختی خاصی، مانند تلفظ خاصی از یک واژه یا معنای یک واژه یا مشخصه واژگانی یا نحوی خاص، در آن منطقه جغرافیایی است. این بخش که به دو زیربخش تقسیم‌بندی می‌شود، به معرفی مرزهای هم‌گویی در خانواده کاسپین و تاتی می‌پردازد. از لحاظ نحوی، خانواده تاتی محافظه‌کارانه‌تر از خانواده کاسپین است و ویژگی‌هایی چون جنس دستوری و ساخت کنایی را حفظ کرده است. از طرف دیگر، خانواده کاسپین تحت‌تأثیر زبان فارسی و ویژگی‌های دستوری چون حالت و جنس دستوری خود را از دست داده و ویژگی‌های دستوری چون «رای نشانه مفعولی» و «ادغام» افعال گذرا و ناگذر را به دست آورده است. ویژگی‌های حفظ‌شده در تاتی عبارت‌اند از:

۱. جنس دستوری در نیمی از زبان‌های گروه تاتی یافت می‌شود؛
۲. صورت‌های مذکر و مؤنث (مفرد و جمع) هرکدام حالت‌های مستقیم و متممی مجزا دارند؛
۳. صورت‌ساز متممی ویژه ær- برای اصطلاحات خانوادگی درمورد هر دو جنس به کار برده می‌شود؛
۴. تقریباً در تمام زبان‌های تاتی از حالت متممی برای نشان‌دارکردن مفعول در زمان حال استفاده می‌شود، به‌غیر از الویری که دراصل دارای نظام حالت است و رزاجردی و هرزنی که مانند فارسی از رای نشانه مفعول برای نشان‌دارکردن مفعول استفاده می‌کنند؛

نقد و بررسی فصل پنجم از کتاب جامع ... (سعیدرضا یوسفی و مهین ناز میردهقان) ۴۰۱

۵. کنایه‌بودگی در برخی از زبان‌های تاتی قوی و قاعده‌مند است و در برخی دیگر به صورت حاشیه‌ای و بازمانده تاریخی است؛
۶. الگوهای صرفی گذرا و ناگذر مجزا در زمان‌هایی که بر روی ستاک گذشته ساخته شده‌اند، مشاهده می‌شود؛
۷. شناسه‌های متممی مجموعه دو با کنش گر هم‌نمایه شده و شناسه‌های مستقیم مجموعه یک با کنش‌پذیر که این موضوع تأییدکننده کنایه‌بودگی اسمی در زمان گذشته است؛
۸. بیش‌تر زبان‌های تاتی یک الگوی تصریف وجه تمنایی (optative) را حفظ کرده‌اند؛
۹. برخی زبان‌های تاتی شناسه دوم شخص مفرد مستقیم مجموعه یک یعنی *-iš* را حفظ کرده‌اند.

نوآوری‌ها در تاتی عبارت‌اند از:

۱. ساختار اضافه که وام‌گیری از فارسی است؛
۲. معمولاً از پس‌اضافه‌ها استفاده می‌شود، اما برخی از زبان‌ها رده‌شناسی مختلط دارند؛
۳. پی‌بست‌های ملکی مجموعه دو (متممی) در بیش‌تر زبان‌های تالشی و برخی گونه‌های تاتی (مانند گروه طارمی و نوکیانی) مشاهده نمی‌شوند؛
۴. برخی از زبان‌های تاتی مفعول‌نمایی افتراقی (differential object marking) دارند.

۵. اسم و گروه اسمی

در این بخش استیلو به بررسی ویژگی‌های صرفی چون حالت، جنس، شمار، الگوهای تصریف ضمایر، حروف اضافه، شمارش‌گرها (numeral classifiers)، و ضمایر انعکاسی در زبان‌های موردپژوهش پرداخته است.

در مورد و فسی، بنابر نظر استیلو، از طرفی شناسه‌های وندی مستقیم (-direct affixal person-agreement) گاهی به‌عنوان واژه‌بست نمود می‌یابند و از طرف دیگر شناسه‌های واژه‌بستی متممی (oblique clitic person-agreement marker) نیز می‌توانند به‌عنوان وند نمود یابند.

در نقد و بررسی این بخش از کار استیلو به ذکر مواردی می‌پردازیم که خلاف این نکته استیلو است. پژوهش بوگِل و دیگران نشان داده است که جدایی ضمایر شخصی متممی به دو صورت وندی و واژه‌بستی ناشی از تمایز ذاتی آن‌ها نبوده، بلکه تمایز در

نمود ساخت‌وازی می‌تواند با توجه به جایگاه واژه‌بست نسبت به دامنه‌های نوایی (prosody domains) و توزیع تکیه (stress distribution) توجیه شود. نتیجه این که «وندهای» متممی و فسی در واقع «واژه‌بست‌های مورد تأکید» هستند (Bögel et al. 2018: 90). حروف اضافه در و فسی به صورت پیش‌اضافه، پس‌اضافه، و پیراضافه نمود پیدا می‌کنند. البته در این پژوهش استیلو نوع دیگری را نیز شناسایی کرده که آن را حرف اضافه دوگانه (doublet) می‌نامد؛ یعنی حرف اضافه‌ای که می‌تواند با توجه به ویژگی معنایی مفعول اسمی خود جایگاه متفاوتی پیدا کند. استیلو اشاره‌ای به تأثیر ویژگی معنایی جان‌داری بر نحوه ظهور مفعول حرف اضافه نمی‌کند.

این موضوع در پژوهشی مستقل توسط میردهقان و یوسفی (۱۳۹۵) به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. در آن‌جا نشان داده شده است که ویژگی معنایی جان‌داری در مفعول حرف اضافه در نوع حالت‌نمایی آن تأثیر داشته است، به طوری که مفعول‌های حرف اضافه جان‌دار و انسان در و فسی در حالت متممی (حالت مفعولی حرف اضافه) تظاهر می‌یابند، در صورتی که تظاهر مفعول حرف اضافه غیرجان‌دار در حالت مستقیم (فاعلی) است که به این ویژگی نحوی حرف اضافه‌نمایی افتراقی (differential adpositional case marking) گویند (میردهقان و یوسفی ۱۳۹۵: ۹۷).

مثال‌های و فسی زیر از استیلو (2004) است که در کتاب میردهقان و یوسفی (۱۳۹۵: ۹۷) مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

مثال ۱. پیش‌اضافه [-فعل، -اسم]، مفعول حرف اضافه [-جان‌دار]

bæ-ræsa	dæ	qæla̯æ.s. (A3-122) ^۲
رسید-التزام	پیش.ا. به	م.ج. ۲. (ض.ملکی). قلعه

«رسید به قلعه‌اش»

مثال ۲. پیش‌اضافه [-فعل، -اسم]، مفعول حرف اضافه [+جان‌دار]

bæ-ræsa	dæ	dozd-an. (A3-56)
رسید-التزام	پیش.ا. به	ج.غ.م. دزد

«رسید به»

در مثال ۱، qæla̯æ (قلعه) مفعول پیش‌اضافه dæ (به) است و از آن‌جایی که غیرجان‌دار است، به صورت مستقیم (بدون هیچ پس‌وند) ظهور یافته است، اما مفعول پیش‌اضافه dæ (به) در مثال ۲ dozd-an (دزدها) است که به دلیل جان‌دار بودن به جای پسوند حالت جمع مستقیم یعنی ە - پسوند حالت جمع متممی یعنی an- را دریافت کرده است. بررسی

نقد و بررسی فصل پنجم از کتاب جامع ... (سعیدرضا یوسفی و مهین‌ناز میردهقان) ۴۰۳

دقیق‌تر این پدیده به‌همراه نمونه‌های زبانی بیش‌تر از وفسی و زبان‌های دیگر در مقاله‌ای دیگر با عنوان «حرف اضافه‌نمایی افتراقی در وفسی در چهارچوب نظریهٔ بهینگی» (میرهقان و یوسفی ۱۳۹۵) ارائه شده است.

۶. افعال

در این بخش از اثر موردبررسی، استیلو به موارد زیر در زبان‌های موردبررسی پرداخته است: نظام‌های فعلی حال و گذشته، پیش‌وندهای فعلی واژگانی، منفی‌سازی، ظرفیت افعال، و تشکیل و هم‌زمانی و کاربرد زمان‌های مختلف. از لحاظ شکلی این بخش بیش‌ترین حجم مقاله را تشکیل می‌دهد و حدود ۶۸ صفحه است.

بنابر تقسیم‌بندی استیلو، در زبان‌های شاخهٔ کاسپین و تاتی‌ماندها، نظام مطابقت‌کنایی مشاهده نمی‌شود و تنها این پدیده به‌صورت کنایی گسسته در زبان‌های شاخهٔ تاتی، مانند زبان مراغی که در نواحی الموت تکلم می‌شود، باقی مانده است؛ بدین ترتیب که نظام مطابقت در زمان حال، فاعلی-مفعولی است، ولی در زمان گذشته ممکن است نظام مطابقت واژی-نحوی کنایی نمود پیدا کند.

در این باره استیلو به‌طور گذرا و خلاصه به این موضوع پرداخته و به‌هیچ‌گونه مثالی در این زبان‌ها اشاره‌ای نکرده است. در نقد و بررسی این امر می‌توان گفت که از لحاظ رده‌شناسی منطقه‌ای، در زبان‌های تاتی فاعل (تجربه‌گر) در جملات دارای افعال تجربی (experiencer verbs) در حالت غیرفاعلی (مفعولی به‌واسطه) قرار داشته (Mirdehghan and Yousefi 2017) و عنصر فعلی مطابقت‌گیایی (default agreement) (سوم شخص مفرد) داشته و شناسه‌های مجموعهٔ دوم (غیرفاعلی) به عنصر فعلی پیش‌اضافه (وفسی) یا پس‌اضافه (کفتجی / کباته‌ای و کریکی) می‌شود، اما در زبان‌های کاسپین عموماً افعال تجربی با تجربه‌گر (فاعل) هم‌نمایه نمی‌شوند، چراکه شناسه‌های مجموعهٔ دوم (شناسه‌های غیرفاعلی) که در زبان‌های تاتی یافت می‌شوند، در این زبان‌ها وجود ندارند. در نتیجه تجربه‌گر با نشانهٔ مفعول (=ra) نشان‌دار می‌شود.

۷. نظام چیدمانی و نشان‌داری موضوع‌های اصلی

در این بخش به رده‌شناسی پدیده‌های نحوی چون نظام چیدمانی واژی-نحوی، مفعول‌نمایی افتراقی، کنایی، پیشین‌شدگی شناسه‌ها، محدودیت‌های حرکتی بر روی واژه‌بست‌ها، و ویژگی افعال گذرا در زبان‌های موردبررسی پرداخته شده است.

بیش‌تر زبان‌های این منطقه ویژگی مفعول‌نمایی افتراقی (differential object marking=DOM) هستند؛ بدین معنا که مفعول‌های برجسته (salient) (معرفه و مشخص) در حالت مفعولی نشان‌دار می‌شوند و مفعول‌های غیربرجسته در حالت بی‌نشان و مستقیم باقی می‌مانند.

البته در نقد و بررسی این نکته استیلو می‌توان گفت که مفعول‌نمایی افتراقی در وفسی حساس به ویژگی معنایی جان‌داری (animacy) نیز است؛ یعنی در وفسی مفعول صریح، باتوجه‌به دو ویژگی معرفگی و جان‌داری، مفعول‌نمایی افتراقی (نشان‌دار) می‌شود (یوسفی ۱۳۹۱: ۱۳۸). در زبان‌های کاسپین تاتی‌ماندها، رزاجردی، و هرزنی مفعول مستقیم به‌وسیله «ra» نشانه مفعول نشان‌دار می‌شود. در این زبان‌ها، نظام مطابقت فاعلی-مفعولی در تمام زمان‌ها حاکم است. الویری فاقد نظام حالت و در نتیجه فاقد مفعول‌نمایی است. در هرزنی حالت ویژه‌ای نمود پیدا می‌کند. بدین ترتیب که درحالی‌که در تمام زمان‌ها تجربه‌پذیر و پذیرنده را با استفاده از «ra» نشان‌دار می‌کند، اما حالت‌های مستقیم متممی برای اسامی نیز دارد.

استیلو در این بخش هم‌چنین بیان می‌کند که در زبان‌های تاتی نظام چیدمانی به‌صورت گسسته است و در زمان حال، مفعول‌نمایی افتراقی در آن حاکم است و مفعول در صورتی‌که دارای ویژگی معرفگی و مشخص‌بودن باشد و درمورد وفسی ویژگی جان‌داری داشته باشد، حالت مفعولی دریافت می‌کند. وی ادامه می‌دهد که در زمان گذشته و در نظام چیدمان کنایی، مفعول‌نمایی افتراقی نامربوط است، چراکه مفعول در جملات گذرای گذشته در حالت مطلق (absolutive) و بی‌نشان نمود پیدا می‌کند. با این حال، وی وفسی را دارای نظام چیدمانی دیگری با عنوان نظام کنایی-مفعولی (سه‌گانه / tripartite) دانسته است (Haig 2008: 188). از آنجایی‌که وفسی نظام مفعول‌نمایی افتراقی دارد، چنان‌چه مفعول فعل گذرا در زمان گذشته جان‌دار و معین باشد، حالت متممی (مفعولی) دریافت می‌کند. در این صورت، در زبان ساختاری به‌وجود می‌آید که به فاعل فعل ناگذرا (S) (گذشته و حال) حالت مطلق، به فاعل فعل گذرای گذشته (A) حالت کنایی، و به مفعول فعل گذرای گذشته (P) حالت مفعولی اعطا می‌کند (ibid.: 31). این نظام چیدمان در ماسوله‌ای و سایر گونه‌های تاتی نیز یافت می‌شود که استیلو آن را نظام چیدمان دو متممی (double oblique alignment) می‌نامد.

در تکمیل نکته‌های بالا از استیلو لازم است اضافه شود که فعل زمانی با مفعول مطابقت نشان می‌دهد که مفعول در حالت مستقیم قرار داشته باشد؛ یعنی هر دو ویژگی معرفگی و

نقد و بررسی فصل پنجم از کتاب جامع ... (سعیدرضا یوسفی و مهین ناز میردهقان) ۴۰۵

جان‌داری را نداشته باشد. در غیر این صورت مطابقت پیش فرض (۳ مفرد) ظهور می‌یابد (یوسفی ۱۳۹۱: ۱۷۷).

۱.۷ شناسه‌های مجموعه یک و شناسه‌های مجموعه دو

در زبان‌های مورد بررسی، شناسه‌های مجموعه یک شامل شناسه‌هایی است که در حالت مستقیم قرار دارند و شناسه‌های مجموعه دو در برگرفته شناسه‌هایی در حالت متممی است. اما همه این زبان‌ها دارای هر دو دسته شناسه نیستند. زبان‌هایی که در آن‌ها زمان حالت شناسه‌ها را تعیین می‌کند، عموماً از مجموعه دو برای تعیین حالت مفعول فعل گذرای گذشته (P) استفاده می‌کنند. تنها تعداد معدودی از زبان‌ها از مجموعه یک برای هم‌نمایه‌سازی مفعول فعل گذرای گذشته (P) برای تمام اشخاص استفاده می‌کنند. تعداد بیش‌تری از مجموعه یک فقط برای مفعول سوم شخص فعل گذرای گذشته استفاده می‌کنند. تعدادی هم اصلاً از مجموعه یک برای نشان‌دار کردن مفعول فعل گذرای گذشته (P) استفاده نمی‌کنند.

به علاوه، شناسه‌های مجموعه یک به منزله افعال معین پی‌بستی نقش ایفا می‌کنند و شناسه‌های مجموعه دو صورت پی‌بستی ضمائر ملکی‌اند. استیلو باتوجه به این دسته‌بندی نه گونه زبانی را رده‌بندی کرده است.

۲.۷ نشان‌دار کردن موضوع‌های ضمیری و مطابقت در تاتی

مطابقت ضمیری در تاتی مقداری پیچیده است؛ چراکه اشخاص مختلف نشان‌داری‌های مختلفی دارند. بنابراین، نشان‌داری مفعول ضمیری ممکن است از نشان‌داری اسامی پیچیده‌تر، آسان‌تر باشد یا در همان سطح پیچیدگی قرار گیرد. برای مثال، بیش‌تر زبان‌های تاتی فاقد تمایز بین حالت مستقیم و متممی در دوم‌شخص مفرد، اول‌شخص جمع، و دوم‌شخص جمع‌اند که در مقایسه با نشان‌داری اسامی پیچیدگی کم‌تری دارد.

پیچیدگی بیش‌تر ساخت‌واژی در خوشه زبان‌های هزاررودی، گندمابی، نوکیانی، و کفتجی مشاهده می‌شود که این زبان‌ها دو حالت جدید را برای نشان‌دار کردن مفعول در برخی از اشخاص ابداع کرده و در نتیجه چهار حالت متمم را به وجود آورده‌اند: (۱) فاعل متعدی (A)/ فاعل لازم (S) در زمان حال، (۲) فاعل متعدی (A) در زمان گذشته،

۳) مفعول (P) در زمان حال، ۴) مفعول (P) در زمان گذشته. هم‌چنین حالت ملکی برای تمام این اشخاص در مجموع پنج صورت از انواع حالت را در این زبان‌ها به وجود می‌آورد. از طرف دیگر، از آنجایی که این زبان‌ها نظام کنایی گسسته دارند، در این جا نظام چیدمان واژ- نحوی فاعلی- مفعولی در زمان حال و نظام سه‌گانه در زمان گذشته نمود می‌یابد (Haig 2008: 188).

۸. وابسته‌سازی

در این بخش به رده‌شناسی پدیده نحوی وابسته‌سازی (subordination) و انواع آن در زبان‌های مورد بررسی پرداخته می‌شود. تمام انواع وابسته‌سازی‌ها با استفاده از وابسته‌ساز جهانی «کی / که» در صورت زیرساختی جمله ساخته می‌شوند. در این بخش وابسته‌سازی بندهای قیدی (قید زمان = وقتی / وقتی که؛ شرطی = اگر / اگر که؛ سببی = چون / چون‌که)، موصولی و مقصودی (purposive) (= تا، کی / که) مورد بررسی قرار گرفته است. آنچه دیسل (2001) در مورد ترتیب واژگانی در بندهای قیدی زبان فارسی نشان داده است، در مورد اغلب زبان‌های غربی و مرکزی ایران نیز صادق است: ادات شرط غالباً قبل از بند اصلی می‌آیند، قیدهای موصولی زمان هم همین‌طور، در مورد بندهای سببی اختلاف وجود دارد و بندهای مقصودی همیشه به دنبال هسته می‌آیند.

۹. ترتیب واژگان

بیش‌تر زبان‌های تاتی و کاسپین غالباً رده‌شناسی ترتیب واژگانی چپ‌چین (left-branching typology) دارند، اما استثنائاتی هم وجود دارد؛ مثلاً ضمائر موصولی، متمم‌ها، بندهای مقصودی راست‌چین، هدف‌ها، و پذیرنده‌های دارای جایگاه بعد از فعل. در تمام زبان‌های این ناحیه و مخصوصاً کاسپین، نسخه‌برداری نحوی از فارسی مشاهده می‌شود. از این موارد می‌توان به پیش‌بست‌های متممی مجموعه دو و الگوهای راست‌چین متعدد در گروه اسمی (ساخت اضافه، پیش‌اضافه، و غیره) اشاره کرد. به علاوه، تمام گروه تاتی و بیش‌تر گروه تالشی در تماس شدید با آذری‌اند که غالباً چپ‌چین است.

به علاوه زبان‌هایی مانند وفسی که در مناطق حائل بین زبان‌های چپ‌چین شمالی و زبان‌های راست‌چین جنوبی قرار دارد، رده‌شناسی مختلفی در مورد حروف اضافه، ضمائر ملکی، و صفات دارند (میردهقان و یوسفی ۱۳۹۵: ۲۰۲؛ Stilo 2004: 224).

۱۰. متون نمونه به همراه توضیح

در بخش پایانی، استیلو چهار متن کوتاه آوانگاری شده به منزله نمونه گفتار طبیعی در زبان‌های لاهیجانی، ساروی، لریکی، و وفسی را به همراه توضیح بین‌سطری (glossing) درج کرده است که این قسمت می‌تواند نمونه پیکره‌ای تحلیلی مفیدی برای پژوهش‌گران آتی باشد.

۱۱. ارزیابی نهایی اثر و نتیجه‌گیری

پژوهش مورد نقد و بررسی در مقاله حاضر اثری تخصصی در زمینه زبان‌شناسی منطقه‌ای است. این حوزه با وجود اهمیت موضوع در ایران کم‌تر مورد توجه اهل علم قرار گرفته است. حال آن‌که زبان‌های ایرانی بخش مهمی از پیکره زبانی شاخه هندواروپایی زبان‌های جهان را تشکیل می‌دهد که نظریه‌های زبان‌شناسی در ابتدا و عمدتاً با استفاده از داده‌های این شاخه زبانی پرورانه شده‌اند. در نتیجه، این گونه پژوهش‌ها پژوهش‌های بنیادینی‌اند که برای اعمال و آزمایش نظریه‌های مطروح، توسعه، و خلق نظریه‌پردازی‌های آینده راه را هموار می‌کنند. متأسفانه دیدگاه غالب در زبان‌شناسی ایرانی چنین پژوهش‌هایی را قدیمی و پیش‌پاافتاده تصور می‌کند و بررسی جدیدترین نظریات را پیشرفت محسوب می‌کند. حال آن‌که زبان‌شناسی ایرانی به دلیل نداشتن همین بنیان‌های پیکره‌ای و رده‌شناسی هنوز از درک دقایق زبانی مربوط به زبان‌های ایرانی قاصر است و مثلاً تحلیل‌های زبان انگلیسی را بهتر از زبان فارسی درک می‌کند. به همین دلیل، این پژوهش منبع بسیار خوبی برای دانشجویان زبان‌شناسی ایرانی به منظور اعمال و توسعه نظریه‌های زبان‌شناسی و رده‌شناسی زبان‌های ایرانی و جمع‌آوری پیکره زبانی زبان‌های ایرانی را فراهم می‌آورد.

بخش‌بندی و ترسیم جدول‌ها و توضیحات بین‌سطور برای نمونه‌های زبانی بسیار دقیق، علمی، و بدون اشکال انجام پذیرفته و کار از لحاظ ملاک‌های شکلی، روشی، و محتوایی بسیار قوی است.

تنها چند نمونه اندک اشکالات نگارشی مشاهده شد که عبارت‌اند از: ۱. در جدول صفحه ۶۷۲ با عنوان «واژگان مشترک تاتی» که شامل یازده مورد از واژه‌هایی است که در تمام زبان‌های تاتی به صورت مشترک (هم‌ریشه) یافت می‌شوند، در مورد داده‌های وفسی، واژه kelle (فرزند دختر) و kelje (دختر) جابه‌جا نگاشته شده است؛ ۲. در صفحه ۷۰۳ مثال carry-LOC-3s1 از لریکی در توضیحات بین خطوط برای واژه bård-æ-θ به صورت carry-LOC-3s1 است که مشخص نیست LOC که اختصار locative (حالت مکانی) است، به چه چیز اشاره

دارد، چراکه در لریکی حالت دستوری بر روی فعل نشان داده نمی‌شود. بنابراین، به‌نظر می‌رسد که اشتباه تایی است و می‌بایست حذف شود. هم‌چنین در بخش مربوط به «واکه‌ها و روان‌های وفسی» در صفحه ۶۸۰ از نظر استیلو کاربرد واژه šuy (شوهر) در وفسی نادر و غیرمصطلح است که ممکن است این نظر استیلو براساس پیکره زبانی باشد که در اختیار وی بوده، اما برخلاف نظر او، این واژه وفسی کاملاً مصطلح و کاربردی است. هم‌چنین مواردی از جمله درباره تأثیر ویژگی معنایی جان‌داری در نحوه ظهور مفعول حرف اضافه (بخش ۵. اسم و گروه اسمی)، حساس‌بودن نظام زبانی وفسی به ویژگی معنایی جان‌داری (بخش ۷. نظام چیدمانی و نشان‌داری موضوع‌های اصلی)، و ویژگی‌های متفاوت رده‌شناختی وفسی در مورد حروف اضافه، ضمائر ملکی و صفات (بخش ۹) در مقاله باتوجه به پژوهش‌های نگارندگان در تکمیل نکته‌های استیلو آورده شده است.

در تقسیم‌بندی زبان‌های کاسپین و تاتی، استیلو دسته‌بندی جدیدی را با عنوان «تاتی‌ماندها» معرفی می‌کند که شامل گونه‌های «رودباری» و «طالقانی» است. از نظر استیلو علت این جایگاه خاص آن است که این دو گونه در اصل زبان‌های تاتی بودند که به‌دلیل تأثیرات شدید کاسپین و فارسی تمامی ویژگی‌های ساختاری تاتی را از دست داده‌اند. از نوآوری‌های و نتایج مهم این پژوهش همین دسته‌بندی جدیدی است که استیلو برای اولین بار در این اثر معرفی کرده و هم‌چنین می‌توان تعیین مرزهای هم‌گویی گروه‌های تاتی و کاسپین را، که تقریباً با مرزهای جغرافیایی ایران و همسایگان شمالی‌اش انطباق نسبی یافته‌اند، به‌مثابه کاری نو در زبان‌شناسی منطقه‌ای برشمرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. گفتنی آن‌که کتاب مذکور با عنوان حکایت‌های عامیانه وفسی توسط نگارندگان مقاله حاضر ترجمه و با مقدمه و بازنگری پروفسور استیلو به زبان فارسی چاپ شده است (میردهقان و یوسفی ۱۳۹۵).
۲. شیوه ارجاع جملات برگرفته از استیلو (۲۰۰۴) است.

کتاب‌نامه

استیلو، دونالد ال. (۱۳۹۵). حکایت‌های عامیانه وفسی (پیکره، دستور و آوانگاشت)، ترجمه مهین‌ناز میردهقان و سعیدرضا یوسفی، تهران: آوای خاور.

نقد و بررسی فصل پنجم از کتاب جامع ... (سعیدرضا یوسفی و مهین‌ناز میردهقان) ۴۰۹

میردهقان، مهین‌ناز و سعیدرضا یوسفی (۱۳۹۵)، «حرف اضافه‌نمایی افتراقی در وفسی در چارچوب نظریه بهینگی»، *جستارهای زبانی*، دوره ۷، ش ۳، پیاپی ۱۳.
یوسفی، سعیدرضا (۱۳۹۱)، *بررسی و تحلیل نظام حالت در گویش وفسی در چارچوب نظریه بهینگی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

- Asatrian, Garnik and Habib Borjian (2005), "Talesh and the Taleshis (The State of Research)", *Iran and the Caucasus*, vol. 9, no. 1.
- Bazin, Marcel (1981), "Quelques échantillons de Variations Dialectales du Tâlesh", *Studia Iranica*, no. 10.
- Bögel, Tina, Saeed Reza Yousefi, and Mahinnaz Mirdehghan. (2018), "Vafsi Oblique Pronouns: Stress-Related Placement Patterns", in: *Proceedings of LFG2018*, Stanford, CA: CSLI Publications.
- Diessel, Holger (2001), "The Ordering Distribution of Main and Adverbial Clauses: A Typological Study", *Language*, no. 77.
- Haig, Geoffrey (2008), *Alignment Change in Iranian Languages: A Construction Grammar Approach*, Berlin and Boston: De Gruyter Mouton.
- Haig, Geoffrey and Geoffrey Khan (eds.) (2018), *The Languages and Linguistics of Western Asia: An Areal Perspective*, Series: *The World of Linguistics 6*, Germany: The Gruyter Mouton.
- Mirdehghan, Mahinnaz and Saeed Reza Yousefi (2017), "Dative Case Marking in Vafsi within the OT Framework", *Iranian Studies*, vol. 5, no. 1, DOI: 10.1080/00210862.2015.1108720.
- Stilo, Donald L. (1981), "The Tati Language Group in the Sociolinguistic Context of Northwestern Iran and Transcaucasia", *Iranian Studies*, no. 14.
- Stilo, Donald L. (2004), *Vafsi Folk Tales*, Weisbaden, Germany: Ludwig Reichert Verlag.
- Stilo, Donald L. (2018), "The Caspian Region and South Azerbaijan: Caspian and Tatic", *The Languages and Linguistics of Western Asia*, Geoffrey Haig and Geoffrey Khan (eds.), Germany: The Gruyter Mouton.
- Stilo, Donald L., Kamran Talattof, and Jerome Clinton (2005), *Modern Persian: Spoken and Written*, vol. I, II, New Haven: Yale University Press.
- Yarshater, Ehsan (1969), *A Grammar of Southern Tati Dialects*, The Hague and Paris: Mouton.
- Yarshater, Ehsan (1970), "The Tati Dialect of Tārom", Mary Boyce and Ilya Gershevitch (eds.), *W. B. Henning Memorial Volume*, London: Lund Humphries.
- Yarshater, Ehsan. (1959), "The Dialect of Shāhrud (Khalkhāl)", *BSOAS*, vol. XXII.